

بررسی علل فرهنگی نابهنجاری های رفتاری زنان زندانی تبریز

دکتر نعمت الله تقوی¹

دکتر محمود علمی²

سولماز کاظمی فر^{3*}

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش عوامل فرهنگی در گرایش به نابهنجاری های رفتاری زنان زندان شهر تبریز در سال 1388 انجام گرفت. مطالعه حاضر با بهره گیری از نظریه های کنترل یادگیری اجتماعی، تقلید گابریل تارد، ساخت اجتماعی و آنومی مرتون، همنشینی افتراقی، پیوند افتراقی، خرده فرهنگی کوهن، بی سازمانی اجتماعی تدوین شده است. روش پژوهش حاضر به صورت پیمایشی و از نوع علی-مقایسه ای است. جامعه آماری شامل کلیه زنان زندانی در شهر تبریز و زنان عادی شهر تبریز است. حجم نمونه 50 نفر از زنان زندانی در شهر تبریز و 50 نفر از زنان عادی شهر تبریز و شیوه نمونه گیری، نمونه گیری تصادفی ساده می باشد. اعتبار پرسشنامه از طریق اعتبار محتوایی تعیین گردید و جهت سنجش پایایی پرسشنامه نیز از تکنیک آلفای کرون باخ استفاده شد که برای همه متغیرها بالای 0/7 به دست آمد و بدین ترتیب پرسشنامه دارای اعتبار و پایایی قابل قبولی می باشد. بر اساس چارچوب نظری مورد استفاده و نتایج به دست آمده از آزمون خی دو برای سطح تحصیلات و آزمون t-test مستقل برای سایر فرضیه ها؛ بین سطح تحصیلات، نوع برنامه های رسانه ها و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی داخلی زنان زندانی و عادی تفاوت وجود دارد. ولی بین نحوه اوقات فراغت زنان زندانی و عادی تفاوتی وجود ندارد. در واقع؛ از بین عوامل فرهنگی تاثیرگذار در گرایش به رفتارهای نابهنجارانه زنان زندان تبریز، پایین بودن سطح تحصیلات، عدم استفاده از برنامه های آموزشی و در کل پایین بودن استفاده از برنامه ها و وسایل ارتباط جمعی داخلی و دولتی در گرایش به نابهنجاری های رفتاری نقش به سزایی داشته اند.

واژه های کلیدی: نابهنجاری رفتاری زنان، عوامل فرهنگی زنان زندانی، زنان شهر تبریز

¹ - عضو هیئت علمی (استادیار) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز - ایران

² - عضو هیئت علمی (استادیار) دانشگاه تبریز

³ - کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه جامعه شناسی، تبریز - ایران (نویسنده مسئول) solmaz_n_5631@yahoo.com

مقدمه

بیشتر مردم بسیاری اوقات با هنجارهای اجتماعی هم‌نوا هستند. اما نمی‌توان انکار کرد همان قدر که اعضای جامعه از هنجارها پیروی می‌کنند، به همان میزان هم سرپیچی از قواعد اجتماعی وجود دارد و این واقعیت، همه جا یکسان است. اندیشمندان اجتماعی همواره تأکید دارند که تصویر واقعی و کامل از یک جامعه انسانی، هم در بر گیرنده هم‌نوايي با مقررات، رفتار اجتماعی و هم نمایشگر شکل‌های مختلف هنجار شکنی است. آنان، شکل‌گیری کجروی را این‌گونه تحلیل می‌کنند که گرد آمدن انسانها در کنار یکدیگر و نیاز آنان به کنش متقابل در یک محیط، تضادهای میان منافع فردی را فعالیت می‌بخشد. افزون بر این، هنجارها و مقررات اجتماعی افراد را مقید و محدود می‌سازد و از آزادی آنان برای دسترسی به آن منافع می‌کاهد. در نتیجه چندان دور از انتظار نیست که افراد یا گروه‌هایی برای عملی ساختن تمایلات شخصی یا گروهی، منافع شخصی دیگران یا مصالح جمعی جامعه را زیر پا بگذارند و هنجارهای اجتماعی را که برای محافظت از این هر دو پدیده آمده، نقض کنند. این جاست که اندیشمندان کجروی را هم‌مزاد با زندگی اجتماعی انسان و پدیده‌ای "طبیعی" در اجتماع انسانی می‌شمرند و هم تأکید می‌کنند که کجروی هیچ شباهتی با دیگر پدیده‌های طبیعی، اجتماعی ندارد (سلیمی و داوری، 1386: 53). بنابراین در تعبیر دورکیم و مرتون¹، آنومی یا نابسامانی اجتماعی به شرایطی اجتماعی اطلاق می‌شود که در آن هنجارهای تعمیم یافته و مورد پذیرش جامعه، تضعیف یا ناکارآمد شده باشند. اما این که چه عواملی موجب تضعیف و یا ناکارآمد شدن هنجارهای تعمیم یافته می‌شود از نظر آنان متفاوت است. از نظر دورکیم توسعه و پیشرفت اجتماعی است که هنجارهای سنتی تعمیم یافته و مورد قبول عمومی را سست و بی‌بنیاد می‌سازد و در نتیجه آنومی اتفاق می‌افتد، اما از نظر مرتون تأکید متوازن بر اهداف و ارزشهای اجتماعی بدون در نظر گرفتن شرایط و امکانات اجتماعی است که هنجارهای اجتماعی را ناکارآمد می‌سازد و موجبات شرایط آنومیک در جامعه را فراهم می‌کند (معیدفر، 1379: 217).

هدف مهم این بررسی مطالعه و کشف عوامل اصلی رفتارهای نابهنجار زنان و طبقه بندی آنها و هم چنین زمینه‌ها و راهکارهای پیشگیری و بطور کلی موانع بروز جرم زنان می‌باشد. گرچه بررسی تمامی علل نابسامانی‌های اجتماعی در حد این مختصر نیست

¹ - Durkheim & Merton

اما سعی شده است تا با ارائه برخی از این عوامل که منجر به مفاسد اخلاقی چون اعتیاد، جنایت و... می شود دریچه‌ای به سوی آینده‌ای روشن گشوده گردد (وحید، 1382:7).

بیان مسأله

هنجار درقالبوس لاتین این واژه معنای گونیا می دهد و از این رو از قانون قاعده یا مثالی بر می آید که بدان رجوع می شود. در محاوره ، این واژه معنای دوم را حفظ کرده است، به این معنی که قانون یا اصلی که باید راهبردی یا هدایت یک رفتار را موجب شود از آن استفاده می شود. لالاند با دید بیشتر فلسفی هنجار را چنین تعریف می کند: نوع ملموس و یا فرمول مجرد آنچه باید باشد و در هر زمینه که قضاوت ارزشی بر آن راه یابد، از این رو معناهای آرمان، قاعده، هدف، مدل بر حسب موارد از آن بر می آید (بیرو، 1370: 248-249). یکی از مفاهیم نزدیک به انحراف، مفهوم نا بهنجاری است. فرد نابهنجار کسی است که فاقد سازگاری با ساخت کلی یک نظام باشد که یا در کارآیی یک نظام مضر، یا بانتظار و توقع مردم نا همخوانی داشته، یا از آنچه که معمول متداول و طبیعی شمرده می شود، متمایز باشد. رفتار نابهنجار، انحراف و آسیب تلقی می شود و حاوی انحرافات گسترده ای از معیارهای اجتماعی می باشد. از منظر جامعه شناسی مشروعیت و بهنجار بودن یک رفتار از نوع دیدگاه و انتظار یک جامعه با هر گروه اجتماعی ناشی می شود و در صورتی انحراف تلقی می شود که هنجارهای مکرر و در حدی گسترده نادیده گرفته شود (محمدی، 1383: 22). اکثر افرادی که دارای رفتار نابهنجار هستند در بسیاری از زمینه ها رفتار طبیعی و معمولی دارند. با توجه به این امر رفتار نابهنجار رفتاری است که به میزان قابل توجهی از یک معیار فرهنگی یا هنجار گروهی دور شده باشد. برخی نابهنجاری ها عبارتند از: فرار از منزل، صدمه زدن به اشخاص و اشیاء، نوع پوشش، اعتیاد، دزدی، رابطه جنسی نامشروع (کرباسی و وکیلیان، 1386: 39).

رفتار نرمال یا بهنجار، هر نوع رفتاری است که از هنجارها یا مقررات گروهی که رفتار مزبور در آن روی می دهد، تبعیت کند. در مقابل کج رفتاری هر نوع رفتاری است که با هنجارها یا مقررات گروهی هم‌نوازی نداشته باشد (سایت جامعه شناسی ایران). پیچیدگی فرهنگ و تمدن و رشد صنعت و افزایش جمعیت و افزایش ارتباطات بین ملل مختلف مشکلات زنان را افزایش داده است (شفیعی، 1383: 3). بروز آسیب های

اجتماعی و نابهنجاری های رفتاری و انحراف در سطح جامعه بویژه در میان زنان ضرورت باز نگری به این مسأله و ریشه یابی آن را نشان می دهد (احمدی، 1384: 7-8). پژوهش های متعدد نشان دهنده این است که عوامل مختلف فردی و فرهنگی- اجتماعی در بروز نابهنجاری ها مؤثرند. از جمله این عوامل می توان به موارد زیر اشاره کرد: نقش هنجارهای فرهنگی، روابط اجتماعی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی خانواده، سطح تحصیلات خانواده، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و... است (نقل از سایت زیبا وب) فقر اقتصادی، بی سوادگی، شکست در تحصیل، گرفتار شدن در حلقه دوستان ناباب، کانون خانوادگی متلاشی شده و متشنج، بیکاری، فرار از خانه، مرگ زودرس پدر و مادر به ویژه پدر که باعث بروز مشکلات مالی برای خانواده می شود (شریفی اشکوری، 1384: 9). هیچ کس از مادر منحرف متولد نمی شود. انسان در دوران اولیه زندگی خود معصوم است و اگر مرتکب خلافی می شود، نتیجه عللی است که ریشه در فرهنگ، محیط اجتماعی، اوضاع اقتصادی و وضعیت خانوادگی وی دارد (رسولزاده، 1383: 3). هر رفتاری که از آدمی سر می زند نشأت گرفته از مجموعه عواملی است که هرگز نمی توان فردی را یکسره مقصر دانست و دیگران را بی گناه. از این رو در پیدایش بزهکاری و رفتارهای نابهنجار و آسیب زا عوامل متعددی به عنوان عوامل پیدایش و زمینه ساز موثر هستند که فرد مرتکب شونده تنها بخشی از قضیه می باشد (نانوای، 1386: 4). اصولاً کلیه رفتارهای دوران نوجوانی، جوانی و بالاتر، چه اجتماعی باشد یا ضد اجتماعی، در نتیجه تجارب گذشته به وجود می آید و با توجه به این تجارب است که می توان این حالت ها و رفتارها را توجیه کرد. نابهنجاری در افراد هرچند می تواند به عوامل بسیار، از جمله مشکلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... وابسته باشد، اما در گام نخست این خانواده و مخصوصاً مادراست که کودک را به مسیر صحیح هدایت می کند یا بستر گناه و جرم و انحراف را برای او مهیا می سازد. انسان به دلیل ویژگی اجتماعی بودن خود از بدو تولد تحت تأثیر افکار، عقاید و رفتار اطرافیان قرار می گیرد و بعدها به تقلید از این رفتارها و گفتارها، الگوهایی را که به نحوی در ارتباط با او هستند سرمشق رفتاری خود قرار می دهد. خمیرمایه مؤلفه های اصلی شخصیت متعادل و پویا یا متزلزل و آسیب پذیر افراد در کانون خانواده و در سایه تعامل مطلوب با والدین، بویژه مادر، شکل می گیرد (نقل از سایت آفتاب). با توجه به تحقیق های انجام شده در زمینه آسیب شناسی، یکی از اولین نتایج این مطالعات آن است که آسیب سازان در انحصار

مردان نیست و زنان نیز در پدید آوردن این قبیل رفتارها سهمی در خور توجه دارند. هر چند آسیب پذیری در مردان بیش از زنان است، اما شکل های موجود رفتار نابهنجار در زنان تفاوت های نمایانی با مردان دارد و حتی برخی کجروی ها (مانند روسپیگری و سقط جنین) مختص زنان است. از آنجا که افزایش آسیب ها و نابهنجاری های اجتماعی، ناامنی و ... را به همراه داشته و موجب سلب اطمینان مردم و بروز اختلافات در روابط فردی و اجتماعی می شود و از طرفی با توجه به این که زنان در تربیت و سلامت جامعه نقش بسزایی دارند و امروزه دامنه آسیب ها و معضلات اجتماعی بین زنان گسترش یافته، لذا ضروری است تا ابعاد و روند آسیب های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و تدابیر و تصمیمات مؤثر و عاجل جهت شناسایی، پیشگیری و مبارزه با این مسأله اتخاذ گردد (محمدی، 1383: 16). زمانی که صحبت از نابهنجاری رفتاری زنان می شود، گروهی با خوش باوری می گویند: این موضوع چندان مهم نیست. درصد نابهنجاری رفتاری مردان بیشتر است. زنان حداکثر 3/5 درصد زندانیان کشور را تشکیل می دهند. گویا این ها از آمار بی خبرند که 4600 دختر فراری فقط در سال 83 در تهران توسط ناجا و دادگاه ها به سازمان بهزیستی ارجاع داده شده اند. از سوی دیگر، همین آمار حاکی است که 29/85 درصد مردان زندانی دارای جرایم مواد مخدر هستند و این رقم در بین زنان 42/7 درصد است (نقل از سایت کادس دیلی).

چارچوب نظری تحقیق

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی رفتار انحرافی، آموختنی است و در فرآیند رابطه با افراد دیگر، به خصوص در گروه های کوچک آموخته می شود. الگوهای رفتاری از طریق مشاهده رفتار دیگران شکل می گیرد. از نظر باندورا¹ رفتار در نتیجه کنش متقابل بین شناخت و عوامل محیطی به وجود می آید، یعنی مفهومی که تاثیر متقابل نامیده می شود. شخص می تواند با کمک الگو سازی و با مشاهده دیگران چه به صورت تصادفی و چه آگاهانه یاد بگیرد. الگوهای برگزیده شده توسط فرد می تواند مطابق با ارزشها و هنجارهای رسمی جامعه باشد؛ و همچنین ممکن است فرد الگوهای رفتار انحرافی را بر گزیند فرآیند مدل سازی در کانون توجه نظریه یادگیری اجتماعی قرار دارد

¹ - Bandura

که در آن شخص رفتار اجتماعی دیگران را بوسیله مشاهده و تقلید یاد می گیرد و آموختنی ها از طریق پاداش و تنبیه تقویت می شود (احمدی، 1384: 95-94).

طبق نظریه کنترل برای کاستن از تمایل به رفتار بزهکارانه و مجرمانه باید همه افراد کنترل شوند. این نظریه همچنین رفتار انحرافی را عمومی و جهان شمول دانسته و آن را نتیجه کارکرد ضعیف ساز و کارکرد کنترل اجتماعی و کنترل شخصی و درونی می داند. بنابراین بزهکاری و جرم از یک سو محصول عوامل فردی کنترل نظیر خود پنداره منفی، ناکامی روان پریشی و اعتماد به نفس پایین است و از سوی دیگر نظام های کنترل ناقص اجتماعی و فقدان تقید و تعهد نسبت به نهادهای بنیادین اجتماعی مانند خانواده و مدرسه به رفتار انحرافی منتهی می شود. در تبیین انحرافات اجتماعی، اندیشمندان نظریه کنترل بر عوامل کنترل شخصی و درونی و عوامل کنترل اجتماعی تأکید نموده اند. به طور کلی نبود کنترل های شخصی و اجتماعی موجب پیدایش بزهکاری و جرم می گردد. کنترل های اجتماعی از کنترل های رسمی نظیر قوانین و کنترل های غیر رسمی همچون ضمانت های اجتماعی منتج می شوند. برخی از مقوله های کنترل برای تحلیل بزهکاری جوانان به شرح زیر است:

- 1- کنترل مستقیم که والدین آن را از طریق تنبیه و تشویق اعمال می کنند.
- 2- کنترل غیرمستقیم که به وسیله آن جوانان از رفتار بزهکارانه خودداری می کنند زیرا این رفتار ممکن است موجب نگرانی و ناامیدی برای والدین یا دیگرانی باشد که با آن ها روابط نزدیکی دارند.
- 3- کنترل درونی که به وسیله آن، آگاهی از احساس تقصیر گناه، شرم جوان را از درگیر شدن در رفتار بزهکارانه باز می دارد (احمدی، 1384: 86).

هیرشی¹ بزهکاری را بی اعتنایی به قید و بندهای اجتماعی مطرح کرده، این قیود رادر چهار مفهوم کلی خلاصه می کند:

- 1- **وابستگی**: حساسیتی است که شخص نسبت به عقاید دیگران درباره خود نشان می دهد. وابستگی در حقیقت نوعی قید و بند اخلاقی است که فرد را ملزم به

¹ - Hirschi

رعایت معیارهای اجتماعی می کند، مانند وابستگی فرزندان به والدین، اقوام نزدیک و دوستان.

2- **تعهد:** میزان مخاطره ای است که فرد در تخلف از رفتارهای قرارداد اجتماعی می کند. بدین معنا فردی که خود را به قیود اجتماعی متعهد می داند از قبول این مخاطرات پرهیز می کند. مانند تعهد به پیروی از دستورات مذهبی یا حفظ شوون خانوادگی و ملی.

3- **درگیر بودن:** میزان مشغول بودن فرد به فعالیت های گوناگون است که باعث می شود برای کار خلاف وقت نداشته باشد، مانند درگیر بودن در کار، ورزش و درس.

4- **باورها:** میزان اعتباری است که فرد برای معیارهای قرار دادی اجتماعی قائل است و باعث می شود. در حالی که می تواند طبق میل خود از آنها تخلف کند، پای بند به آنها باقی بماند: مانند باور به نیکوکاری، باور به حسن شهرت در بین خانواده و همسالان و باور به محرمات. هیرشی معتقد است که افراد بزهکار قادر به ایجاد وابستگی معقول و منطقی با سایرین نیستند. از این رو روابط بین اعمال بزهکارانه و داشتن رفقای بزهکار رابطه ای ظاهری است (نقل از سایت تبیان).

طبق نظریه همنشینی افتراقی سادرلند¹، انواع الگوهای درستکاری و انحراف اجتماعی در جامعه وجود دارد، اما توزیع آنها و احتمال بر خورد افراد با آنها به نظارت اجتماعی بستگی دارد. برای مثال هنگامی که به علت مهاجرت و تحولات شهرنشینی، جا به جایی مکانی و اجتماعی و بیگانگی در جامعه شهری توسعه می یابد، احتمال بیشتری وجود دارد که فرد با الگوهای انحراف اجتماعی برخورد کند و آنها را بیاموزد و به کار برد. حال که این احتمال در اجتماعات کوچک که در آنها نظارت اجتماعی شدید است کمتر وجود دارد. به اعتقاد سادرلند فرایند یادگیری که شامل ارتباط و تعامل است می تواند همه انواع بزهکاری و جرم را تبیین نماید (احمدی، 1384: 95-96):

1. رفتار انحرافی یادگرفتنی است و ارثی و ذاتی نخواهد بود.

¹ - Saderland

2. رفتار انحرافی در فرایند ارتباطات یاد گرفته می شود این فرایند اداها و تعامل کلامی را شامل می شود. در این مورد سادرلند نقش رسانه های تصویری را نادیده گرفته است؛ زیرا رویکرد وی مربوط به دوران قبل از پیدایش تلویزیون است.
3. بخش عمده ای از یادگیری رفتار انحرافی در درون گروه های صمیمی صورت می گیرد.
4. فرایند یادگیری مواردی نظیر روش ها و فنون ارتکاب بزهکاری و جرم که گاهی بسیار پیچیده و گاهی خیلی ساده هستند جهت گیری ویژه انگیزه ها، سائقه ها، دلیل تراشی ها، نگرش ها را شامل می شود.
5. جهت گیری مشخص انگیزه ها و سائقه ها از تعاریف مفاد قانونی درباره مطلوب یا نامطلوب بودن یاد گرفته می شود. گاهی از دیدگاه برخی از مردم صدمه زدن به مفاد قانونی مطلوب است این در حالی است که دیگران حمایت از آن ها را مطلوب می دانند.
6. یک فرد به این دلیل مرتکب بزهکاری و جرم می شود که تعاریف مطلوب بودن تجاوز از قانون بر تعریف نامطلوب بودن تجاوز از قانون غلبه دارد.
7. همنشینی های افتراقی به لحاظ تکرار دفعات تقدم و تأخر و شدت یادگیری با یکدیگر متفاوت است. برای مثال در مورد تقدم یادگیری بدیهی است که رفتار غیر قانونی و قانونی که در کودکی یاد گرفته می شود می تواند در طول زندگی نهاده شده و پایدار بماند.
8. فرایند یادگیری رفتار انحرافی از همنشینی ها با الگوهای رفتار انحرافی و رفتار غیرانحرافی شامل همه ساز و کارهایی می شود که در فرایند های یادگیری وجود دارند.
9. این دیدگاه که تنها بزهکاری و جرم حاصل نیازها و ارزش های اجتماعی است، صحیح نیست بلکه هم درستکاری و هم بزهکاری و جرم هر دو از نیازها و ارزش های اجتماعی و فرهنگی یکسان سرچشمه می گیرند. برای مثال این تبیین که "مردم گرسنه دزدی می کنند زیرا آن ها گرسنه اند" کافی نیست. بنابراین برای تبیین تفاوت در رفتار این دو گروه باید در جستجوی تفاوت های واقعی بود. در این مورد توجه سادرلند بیشتر معطوف به تبیین روان شناسی اجتماعی، یادگیری رفتار انحرافی با تاکید بر متغیرهایی نظیر انگیزه ها، سائقه ها و نگرش هاست.

به اعتقاد کوهن¹ خرده فرهنگ بزهکار پاسخ دسته جمعی افرادی است که در ساختار اجتماعی موقعیت یکسانی داشته و برای کسب موقعیت اجتماعی بالا و مزایای مادی که به تبع این موقعیت حاصل می شود، احساس ناتوانی می کنند. انتخاب خرده فرهنگ بزهکار به طور دسته جمعی راه حلی است برای کسب موقعیت اجتماعی فرد بر اساس معیارهایی که از طرف آنان پذیرفته شده و انجام آن ها برایشان امکان پذیر است (منبع پیشین: 73-74).

طبق نظریه تقلید تارد² فرایند کسب رفتار بزهکارانه و مجرمانه از طریق تقلید که مبتنی بر تجربه های یادگیری مشاهده ای است، انجام می شود. نظریه فرایند اجتماعی رفتار جنایی تارد در این عقیده اش منعکس شده است که همه کنش های مهم زندگی اجتماعی تحت سلطه "مثال هایی" که در معرض فرد قرار دارد انجام می شود. اولین قانون تقلید از نظر تارد این است که انسان ها به میزان تماس نزدیکی که با هم دارند، به تناسب از یکدیگر تقلید می کنند " (منبع پیشین: 98). دومین قانون تقلید تارد این است که فرودست ها از فرادست ها تقلید می کنند. سومین قانون تقلید تارد "قانون جوف گذاری" است. وقتی که دو مد با ویژگی های منحصر به فرد در تقابل با یکدیگر ظاهر می شوند یکی می تواند جانشینی دیگری شود. هنگامی که چنین اتفاقی رخ می دهد روش ها و ابزارهای قدیمی تر ارتکاب جرم رو به کاهش و روش ها و ابزارهای جدیدتر افزایش می یابد. تارد این موقعیت را با توجه به افزایش استفاده از اسلحه به جای کارد در جرم قتل توضیح داده است. نظریه تقلید تارد در ارتباط با نفوذ رسانه های تصویری و نقش های جنایی قهرمانان فیلم ها و سریال ها بر رفتار جوانان و همچنین تأکیدش بر مبادی اجتماعی بزهکاری و جرم بیشترین تأثیر را بر تفکر روان شناسی اجتماعی و جرم شناسی در اروپا و آمریکا بر جای گذاشت (منبع پیشین: 99).

به عقیده مرتون تضاد میان اهداف فرهنگی مانند پول، قدرت و مقام و "ابزارهای نهادی شده مشروع". برای مثال جامعه آمریکا همه اعضایش را به داشتن ثروت، قدرت و موقعیت اجتماعی تشویق می کند و ارضای این آرزوها و انتظارات فقط برای عده خاصی از اعضای جامعه میسر است. در جامعه آمریکا هدف عمده برای بیشتر اعضای جامعه دست یابی به موفقیت اقتصادی است. در بعضی از ساخت های اجتماعی

¹-Cohen

²- Tard

و اقتصادی فرصت های قانونی برای به دست آوردن چنین موفقیتی (مثلا شغل و تحصیل) به طور همگانی و عادلانه در جامعه توزیع نشده است. اگر چه بیشتر مردم می توانند بعضی از مشاغل را به دست آورند، ولی توانایی دسترسی به مشاغل بالا فقط برای افراد خاصی فراهم است (منبع پیشین: 50).

پیشینه تحقیق

به نظر زمانی (1386) دریافت بی سواد، ناآگاهی اجتماعی، زندگی خانوادگی نابسامان و از هم پاشیده، از جمله عواملی هستند که هریک از آنها متأثر از عوامل دیگر و در تعامل با آنها است. هیچ یک از این عوامل به تنهایی موجب بروز کجروی و انگیزه ی عمل خلاف نمی گردد، اما در صورتی که مجموعه ای از عوامل مساعد وجود داشته باشد، هریک از عوامل مذکور می تواند نقش تعیین کننده ای در گرایش فرد به کجروی ایفا کند.

در پژوهش نعمت الهی، موسوی پور و توفیقی (1387) نتایج نشان داد که اکثر افراد تحصیلاتی در حد راهنمایی داشته و بیکار بوده اند، و اغلب متعلق به خانواده های از هم گسیخته بودند. سابقه مصرف سیگار، الکل و مواد مخدر به صورت منفرد یا توأماً در افراد مورد بررسی 32 درصد در پدران آنها 50 درصد در مادران 17/64 درصد و در خواهر یا برادران آنها 21/7 درصد بوده است. آنچه از کل مطلب استنباط می گردد، این است که مجموع عوامل اجتماعی، خانوادگی، روانی، تربیتی و فرهنگی و... در بروز جرائم جنسی دخیل اند.

در پژوهش محمد رضایی (1387) معلوم شد که اوقات فراغت به عنوان یک نیاز انسان امروز دارای اهمیت زیادی است به گونه ای که یکی از دل مشغولی های هر نظامی پر کردن اوقات فراغت آحاد جامعه می باشد. امروزه بر اساس اصل رقابت بین نهادها، تلویزیون ارتباط تنگاتنگی با نظام های آموزشی و خانواده دارد و این رسانه تلاش می نماید تا جایگاه مهمی در هدایت و کنترل افراد جامعه به ویژه نوجوانان و جوانان داشته باشد و لذا این رسانه می تواند موجبات سعادت یا گمراهی نسل آینده را فراهم آورد. از این نظر ضرورت دارد برنامه ریزان به هماهنگی نظام آموزشی با برنامه های این رسانه بپردازند، ولی به واسطه انفجار اطلاعاتی نظام های سیاسی امواج تلویزیونی به عنوان مهمانان ناخوانده تمامی حریم های خانوادگی را شکسته، خود را بر

جامعه تحمیل می نمایند. به عنوان نمونه در استان گلستان به واسطه قرار گرفتن در حاشیه دریای خزر و همسایگی با کشورهای تازه استقلال یافته امکان دریافت امواج تلویزیونی این کشورها بسیار آسان است و این امر در روند الگوپذیری و کسب هویت بیگانگان آثار منفی برجای خواهد گذاشت.

نتایج پژوهش شکر بیگی (1388) نشان داد؛ وسائل ارتباط جمعی قادرند با کارکردهای منفی و تخطی از اخلاق رسانه ای، سلامت فکری و اخلاقی آحاد جامعه را تهدید کنند و الگوهای نابهنجاری رفتاری را در جامعه تثبیت نمایند و از سوی دیگر می توانند با توجه به کارایی و توان رسانه ها، نرخ وقوع انحرافات اجتماعی را کاهش دهند. بیان انحرافات اجتماعی از رسانه ها اثرات و کارکردهای اجتماعی مثبتی دارد که به برخی از آنها اشاره می شود: اطلاع رسانی و هشدار، قانون شناسی و کیفر شناسی کنترل اجتماعی، پیشگیری از جرم. وسائل ارتباط جمعی می توانند در ارائه و عرضه انحرافات اجتماعی، کارکرد های منفی و اثرات مخربی را برای جامعه داشته باشند.

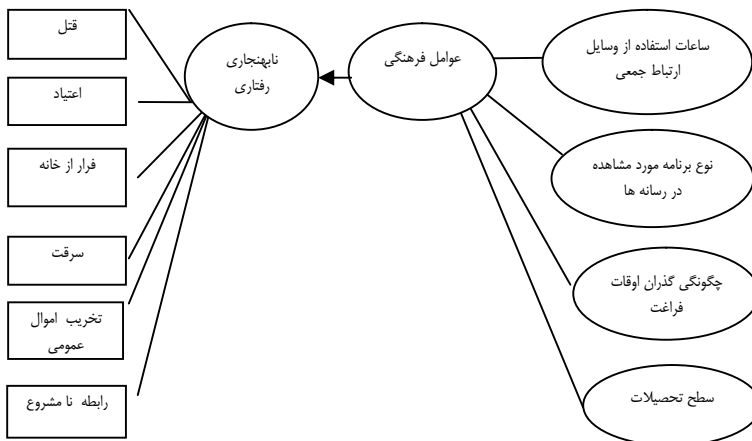
در پژوهش شهیدی زندی (1388) نتایج نشان داد از میان متغیرهای فردی ارزش ها و نگرش ها، سبک خرید و مصرف، نوع استفاده از رسانه و میزان پایبندی به دین، بر نحوه ی گذران اوقات فراغت تاثیر داشته‌اند. از میان عوامل خانوادگی، میزان اطلاع خانواده تاثیر قابل توجهی بر نوع گذران اوقات فراغت داشته است. در نتیجه در نحوه ی آسیب‌زاشدن اوقات فراغت دختران جوان، رسانه‌ها، فرهنگ و سبک زندگی غربی که دایما از طریق مدها و کالاهای فرهنگی غربی تبلیغ می شود، تأثیر تعیین کننده‌ای بر جای می‌گذارد.

جمع بندی دیدگاه های نظری و منابع تجربی

در جمع بندی نتایج حاصل از مرور دیدگاه های نظری و منابع تجربی موجود درباره ی نابهنجاری می توان گفت هر جامعه‌ای بر اساس مجموعه از ارزشهای مشترک و هنجارهای مسلط سازمان دهی شده است. رفتارهایی که از چهار چوب این ارزشها و هنجارها منحرف شوند، به عنوان رفتار انحرافی و آسیبی شناخته می شوند. با توجه به اینکه نهادها و سازمان های اجتماعی، عوامل اجرایی و ابزارهای جامعه پذیری الگوهای رفتاری و درونی ساختن آنها هستند. در صورتی که نهادها و سازمان های کارگزار جامعه پذیری نظیر خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی کار آیی لازم را نداشته باشند، جامعه

دچار بی‌سازمانی اجتماعی می‌گردد و پیامد آن شیوع رفتار انحرافی در جامعه است. نکته دیگر اینکه بی‌سوادی، تاثیر خانواده، بی‌سرپرستی، نوع شغل والدین یا همسر، طرد شدن از خانواده، تعدد ازدواج گذران اوقات فراغت، نارضایتی از همسر، وضعیت اشتغال زنان، سن، بعد خانوار، دوستان، از عواملی هستند که در بروز ناپهنجاری‌های رفتاری نقش عمده را ایفا می‌کنند.

مدل تحلیلی تحقیق



شکل شماره (1): مدل تحلیلی تحقیق

اهداف تحقیق:

هدف کلی:

هدف کلی و اساسی تحقیق عبارت است: از تعیین رابطه بین عوامل فرهنگی و ناپهنجاری رفتاری زنان زندانی شهر تبریز.

اهداف اختصاصی

- 1- تعیین رابطه بین سطح تحصیلات زنان و ناپهنجاری آنان.
- 2- تعیین رابطه بین میزان ساعات استفاده از وسایل ارتباط جمعی و ناپهنجاری زنان.
- 3- تعیین رابطه بین نوع برنامه‌های مورد مشاهده در رسانه‌ها و ناپهنجاری زنان.
- 4- تعیین رابطه بین چگونگی گذران اوقات فراغت و ناپهنجاری زنان.

سؤالات تحقیق

- 1- رابطه بین سطح تحصیلات و نابهنجاری چگونه است؟
- 2- رابطه بین ساعات استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نابهنجاری چگونه است؟
- 3- رابطه بین نوع برنامه مورد مشاهده در رسانه ها و نابهنجاری چگونه است؟
- 4- رابطه بین چگونگی گذران اوقات فراغت و نابهنجاری چگونه است؟

فرضیه ها

- 1- سطح تحصیلات زنان زندانی در نابهنجاری رفتاری آن ها نقش دارد.
- 2- میزان ساعات استفاده از وسایل ارتباط جمعی داخلی زنان زندانی در نابهنجاری رفتاری آن ها نقش دارد.
- 3- نوع برنامه های مورد مشاهده در رسانه ها زنان زندانی در نابهنجاری رفتاری آن ها نقش دارد.
- چگونگی گذراندن اوقات فراغت زنان زندانی در نابهنجاری رفتاری آن ها نقش دارد.

تعریف مفاهیم:

نابهنجاری رفتاری: نابهنجاری گاه در مفهوم کاملاً مترادف با کجروی، و به مفهوم تخلف از ارزشها و هنجارهای حاکم بر روابط اجتماعی به کار می رود؛ و گاه در مفهوم کلی تر، به معنای ابعاد، ویژگی ها و حتی رفتارهای غیرمتعارف و غیرمعمول. برای نمونه، گاه حتی تلاش شده است تا "رفتار کجروانه" نوعی "نابهنجاری آماري" یا دور افتادن از یک وضعیت متعارف (هنجار) آماري محسوب گردد (سلیمی وداوری، 118:1386). نابهنجاری رفتاری در این تحقیق از طریق معرفهای زیر سنجیده می شود: 1-قتل 2-اعتیاد 3-فرار از خانه 4- سرقت 5-تخریب اموال عمومی 6-رابطه جنسی نامشروع

سطح تحصیلات: سطح تحصیلات افراد در سه دسته طبقه بندی می شود:

1. باسواد
2. نیمه بی سواد
3. بی سواد

سواد: توانایی خواندن و نوشتن به یکی از زبان ها و لهجه های موجود در جهان و داشتن تحصیلاتی از هر نوع را سواد گویند. فردی که نمی تواند به یکی از زبان ها و لهجه ها بخواند و بنویسد یعنی کسی که از هیچ نوع تحصیلاتی برخوردار نیست،

بیسواد و کسی که به این امر قادر است باسواد خوانده می شود. افرادی که تنها می توانند بخوانند ولی به نوشتن قادر نیستند تحت عنوان افراد نیمه باسواد گروه بندی می شوند. در برخی موارد گروه اخیر راجزو باسوادان و در مواردی دیگر آنان را در ردیف بی سوادان محسوب می دارند معمولاً تعریف سواد شامل خواندن اعداد نمی شود (تقوی، 1383: 75). در تحقیق حاضر سطح تحصیلات به دو معرف با سواد و بی سواد طبقه بندی شده است و در صورت باسواد بودن از فرد پرسیده می شود در چه پایه یا مقطع تحصیلی قرار دارد.

میزان استفاده از رسانه (وسایل ارتباط جمعی): رسانه وسیله ای است که فرستنده به کمک آن معنا و مفهوم مورد نظر خود (پیام) را به گیرنده منتقل می کند رسانه وسیله حامل پیام از فرستنده به گیرنده است. کتاب، روزنامه، مجله، عکس، تلویزیون، ماهواره، رادیو... است. البته ارتباط گاهی کلامی است که در آن پیام ها در قالب رمزهای کلامی به صورت شفاهی و یا به شکل نوشتاری منتقل می گردد و گاه ارتباط غیر کلامی است که در قالب رمزهای غیر کلامی مثل طراحی، نقاشی، موسیقی منتقل می گردد (www.aftab.ir). به مجموعه وسایل غیر شخصی اطلاق می شود که انتقال پیام سمعی، بصری و یا هر دو را به سوی مردمی بسیار و در مناطق دور دست موجب می شوند. شاخص این وسایل ارتباط آنان با جمع است بدین سان رسانه های همگانی وسایل و ابزاری هستند که بین جمع، جمع یا فرد ایجاد ارتباط می نمایند (ساروخانی، 1370: 429-428). در پژوهش حاضر مد نظر است که هر فرد از وسایل ارتباطی مانند 1- رادیو 2- تلویزیون 3- اینترنت 4- ماهواره 5- کتاب 6- روزنامه به چه میزانی استفاده می کند.

نوع برنامه رسانه ها: به طور کلی نیازهای روز افزون گروه های وسیع انسانی به استفاده از وسایل ارتباطی، برای این وسایل وظایف و برنامه های اجتماعی متعددی را پدید آورده اند:

الف- خبری و آموزشی: برای آنکه انسان بهتر بتواند به زندگی جمعی ادامه دهد و در صحنه فعالیت های اجتماعی راه مناسبتر را برگزیند و مسؤولیت های فردی و عمومی را با آگاهی کامل به عهده بگیرد، باید همیشه در جریان حوادث و اتفاقاتی که

هر لحظه در محیط اطراف و در دنیای بزرگ او روی می دهند، قرار داشته باشد (معمد نژاد، 1371: 11).

ب- راهنمایی و رهبری: وسائل ارتباطی به طور کلی می توانند در توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع، مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه، وظایف بسیار حساسی را عهده دار شوند. روزنامه و رادیو ها و تلویزیون ها با پخش و گسترش اندیشه های نو در واقع وجدان اجتماعی افراد را بیدار می کنند و با آشنا ساختن آنان به اهمیت اجرای برنامه های مهم مملکتی، توجه سریع همگان را به لزوم تحولات اساسی از قبیل تعدیل ثروت، مبارزه با بی سوادگی و گسترش وسائل رفاه اجتماعی، جلب می کنند و آنان را برای شرکت در زندگی عمومی و دفاع از حقوق فردی و اجتماعی و قبول مسؤولیت های بیشتر آماده می سازند. بدین طریق مشاهده می شود که وظایف آگاه کننده، آموزش دهنده و رهبری کننده وسائل ارتباطی همه مکمل یکدیگرند (معمد نژاد، 1371: 15).

پ- تفریحی و تبلیغی: وسایل ارتباطی در صورتی که باعث سر گرم شدن افراد و پر کردن اوقات فراغت آنان گردند، نقش تفریحی را دارند و هر گاه به منظور جلب توجه یا ایجاد اعتقاد و اطمینان مورد بهره برداری قرار گیرند، دارای نقش تبلیغی هستند. برای پاسخ گویی به نیاز های تفریحی افراد انسانی، وسایل ارتباطی معاصر وظایف گوناگونی بر عهده دارند. در دنیای کنونی به سبب فشار کار روزانه و شرایط دشوار زندگی ماشینی، انسانها بیش از هر زمان به استراحت نیاز دارند و اگر برنامه های مناسبی وجود نداشته باشند که اوقات فراغت آنان را پر کنند و خستگی ها و اضطراب ها و دلهره های آنها را تسکین دهند، خیلی زودتر از حد معمول فرسوده و از کار افتاده خواهند شد. توجه فراوان به تأمین اوقات فراغت بیشتر و استفاده کامل از این اوقات، سبب شده است که به تدریج انسان به سوی یک نوع «تمدن فراغت» گام بر دارد و با کاهش اثرات و ایجاد وسایل سر گرمی از زندگی خود بیشتر لذت ببرد (معمد نژاد، 1371: 16). در پژوهش حاضر مد نظر است داشته شود که مشاهده هر کدام از برنامه ها: 1. علمی و آموزشی، 2. ورزشی، 3. خانوادگی، 4. خشن، 5. مبتذل، 6. خبری با توجه به محتوایی که دارند تا چه حد می تواند در جهت گیری افراد به سمت رفتارهای مطلوب نا مطلوب مؤثر باشد.

گذران اوقات فراغت: فراغت در لغت به معنای آسودگی و آسایش است و اصولاً در مقابل اشتغالات و درگیریهای روزمره که معمولاً باعث خستگی می گردند به کار برده می شود (کرباسی و وکیلان، 1386: 118). گذران اوقات فراغت به معنای مجاز بودن گرفته شده است. فراغت در برابر کار قرار می گیرد لیکن تعریف آن بدون توجه به مجموعه حیات اجتماعی، سطح فنون، شیوه زندگی، مدل اجتماعی، فرهنگی مسلط ممکن نیست و همچنین رابطه ای نزدیک بین اشکال کلی تولید سازمان اقتصادی شیوه های توزیع عادلانه در آمدها و صورت، مدت کیفیت گذران اوقات فراغت وجود دارد (بیرو، 1370: 202). در پژوهش حاضر خواهان آن هستیم که بدانیم فرد به طور عادی و متوسط بیشتر وقت آزاد (به غیر از زمان کار و زمان خواب) را چگونه سپری می کرد. سپری کردن اوقات بیکاری با ورزش، تماشای رسانه، گپ در خانواده و دوستان، رفتن به پارک، رفتن به سینما شامل می شود.

روش شناسی تحقیق:

این تحقیق از شرایط پژوهشی یک تحقیق پیمایشی می باشد. در عین حال تحقیق حاضر از نظر شرایط پژوهش یک بررسی علی - مقایسه، همچنین از نظر هدف یک بررسی کاربردی و از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه یک مطالعه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است.

جامعه آماری، نمونه آماری و روش نمونه گیری:

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان زندانی حاضر در شهر تبریز در سال 1388 که طبق آمار گزارش شده از سوی مسؤولان زندان تبریز تعداد آنان صد نفر گزارش و همچنین زنان عادی شهر تبریز بود. به علت عدم همکاری مسؤولان زندان و زندانیان در پاسخ به سؤالات با صلاح دید استاد راهنما و مشاور نمونه آماری به صورت تصادفی انتخاب شد به طوری که، 50 نفر از زنان زندانی انتخاب و متناسب با سن و طبقه اجتماعی آنها، 50 نفر نیز از بین زنان عادی شهر تبریز انتخاب و مورد مقایسه قرار گرفتند. به دلیل علی مقایسه ای بودن تحقیق می بایست تعداد نفرات زنان شهری نیز متناسب با زنان زندانی انتخاب می شد.

ابزارهای اندازه گیری

ابزار اندازه گیری متغیرها پرسشنامه محقق ساخته در مقیاس شش گزینه ای طیف لیکرت می باشد. به گونه ای که با استفاده از شاخص های برگرفته شده از نظریه های تحقیق؛ گویه های هر متغیر طراحی و سنجیده شد.

روایی¹ و پایایی² ابزار اندازه گیری

اعتبار سؤال های مربوط به متغیرها از طریق روش تعیین اعتبار محتوایی و با گردآوری نظرات استادان مجرب تعیین و در نهایت جهت تکمیل در اختیار زنان قرار داده شد و پایایی سؤال های پرسشنامه نیز بر اساس تکنیک آلفای کرونباخ بر روی 30 نفر از زنان مورد مطالعه به عنوان (pre-test) اجرا گردید. برای تعیین پایایی پرسشنامه تحقیق حاضر از آلفای کرونباخ استفاده شد که به برای تک تک متغیرها بالای 0/7 به دست آمد.

روش آماری تجزیه و تحلیل داده ها:

در پژوهش حاضر برای بررسی و مقایسه میانگین گروه ها پس از تست نرمال بودن از طریق اسمیرنوف - کولموگروف؛ از آزمون خی دو و t-test مستقل استفاده شده است.

یافته ها

فرضیه اول تحقیق: میزان سطح تحصیلات زنان زندانی در نابهنجاری رفتاری آن ها نقش دارد.

مطابق جدول (1) ملاحظه می گردد از بین 50 نفر زن عادی شهر 12 نفر (25,6%) دارای تحصیلات زیر دیپلم، 22 نفر (46,8%) دبیرستان دیپلم پیش دانشگاهی، 13 نفر (27,7%) بالای دیپلم می باشند. در مقام مقایسه از بین 50 نفر زن زندانی 28 نفر

¹ - Validity

² - Reliability

(60,8%) دارای تحصیلات زیر دیپلم، 10 نفر (21,7%) دبیرستان دیپلم پیش دانشگاهی، 8 نفر (17,4%) بالای دیپلم می باشند که طبق آزمون خی دوی انجام گرفته؛ در جدول 2 نیز سطح معنا داری آزمون $p=0,012$ و زیر $0,05$ می باشد و مقدار $x^2=16,45$ می باشد. بنابراین فرض H_1 تایید می شود و بین سطح تحصیلات زنان عادی شهر و زندانی رابطه معنا داری وجود دارد و در جدول 3 نیز ملاحظه می گردد شدت رابطه V کرامر برابر با $V=0,42$ می باشد. در واقع پایین بودن سطح تحصیلات زنان زندانی زندان تبری یکی از عوامل تاثیرگذار در گرایش به نابهنجاری های رفتاری آنها بوده است.

جدول 1- توزیع فراوانی سطح تحصیلات زنان زندانی و عادی شهر تبریز

سطح تحصیلات	زنان زندانی		زنان عادی	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
بیسواد	15	30	4	8
ابتدایی	7	14	2	4
راهنمایی	6	12	6	12
دبیرستان، پیش دانشگاهی، دیپلم	10	20	22	44
فوق دیپلم	4	8	4	8
لیسانس	4	8	7	14
فوق لیسانس	0	0	2	4
کل	46	92	47	94
بدون پاسخ	4	8	3	6
کل	50	100	50	100

جدول 2- آزمون فرضیه x^2

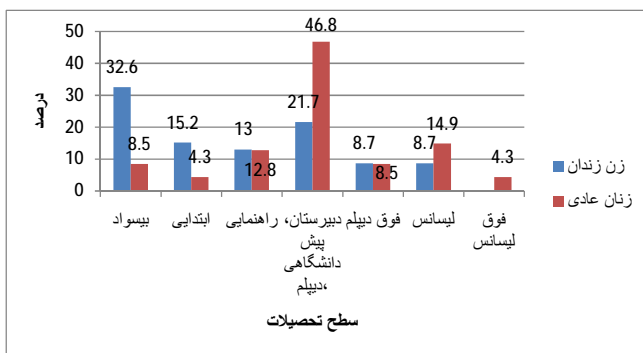
ارزش عددی	درجه آزادی	سطح معنی داری
16,456	6	0,012

کا- اسکور پیرسون

جدول 3- شدت رابطه بین سطح تحصیلات زنان عادی شهر و زندانی تبریز

همبستگی	سطح معنی داری
0,421	0,012

V کرامر



نمودار 1- توزیع آماری سطح تحصیلات زنان زندانی و عادی شهر تبریز

فرضیه دوم تحقیق: میزان ساعات استفاده از وسایل ارتباط جمعی داخلی زنان زندانی در نابهنجاری رفتاری آنها نقش دارد.

جدول 4- شاخصهای توصیفی و نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین متغیر ساعات استفاده از وسایل ارتباط جمعی بر اساس گروه

شاخصهای متغیر	تعداد	میانگین	درجات آزادی	نسبت t	سطح معنی داری
ساعات استفاده از وسایل ارتباط جمعی	50	2/78	98	1/92	0/049
زنان عادی	50	2/06			
زنان زندانی					

جدول 4 بیانگر شاخصهای توصیفی و نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین متغیر ساعات استفاده از وسایل ارتباط جمعی در دو گروه زنان عادی و زندانی شهر تبریز است که نشان می دهد که تفاوت میانگینهای دو گروه در سطح (0/049) معنادار است و تعداد ساعات استفاده از وسایل ارتباط جمعی در بین زنان عادی بیشتر از زنان زندانی می باشد. بنابراین، فرضیه تحقیق تایید می شود و می توان نتیجه گرفت که پایین بودن میزان ساعات استفاده از وسایل ارتباط جمعی داخلی در گرایش به رفتارهای نابهنجارانه زنان زندانی تبریز نقش داشته است.

فرضیه سوم تحقیق: نوع برنامه های مورد مشاهده در رسانه ها زنان زندانی در نابهنجاری رفتاری آنها نقش دارد.

جدول 5: شاخصهای توصیفی و نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین متغیر نوع برنامه های مورد مشاهده در رسانه ها بر اساس گروه

شاخصهای متغیر	تعداد	میانگین	درجات آزادی	نسبت t	سطح معنی داری
نوع برنامه های مورد مشاهده در رسانه ها	50	3/32	93/35	3/78	0/000
زنان عادی	50	2/52			
زنان زندانی					

جدول (5) بیانگر شاخص های توصیفی و نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین متغیر نوع برنامه های مور مشاهده در رسانه ها در دو گروه زنان عادی و زندانی شهر تبریز است که نشان می دهد که تفاوت میانگین های دو گروه در سطح (0/000) معنادار است. بنابراین، فرضیه تحقیق تأیید می شود و چون میانگین نوع برنامه های مور مشاهده در رسانه های زنان زندانی پایین تر است، می توان نتیجه گرفت که پایین بودن میزان مشاهده برنامه ها در رسانه ها در رفتارهای نابهنجارانه زنان زندانی نقش داشته است.

فرضیه چهارم تحقیق: چگونگی گذراندن اوقات فراغت زنان زندانی در نابهنجاری رفتاری آنها نقش دارد.

جدول 6- شاخصهای توصیفی و نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین متغیر چگونگی گذراندن اوقات فراغت بر اساس گروه

شاخصهای متغیر	تعداد	میانگین	درجات آزادی	نسبت t	سطح معنی داری
چگونگی گذراندن اوقات فراغت	50	3/6	98	0/97	0/33
زنان عادی	50	3/36			
زنان زندانی					

جدول (6) بیانگر شاخصهای توصیفی و نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین متغیر چگونگی گذراندن اوقات فراغت در دو گروه زنان عادی و زندانی شهر

تبریز است که نشان می‌دهد که تفاوت میانگینهای دو گروه در سطح (0/33) معنادار نیست و چگونگی گذراندن اوقات فراغت در بین زنان هر دو گروه تفاوت چندانی نداشته است؛ بنابراین، فرضیه تحقیق رد می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که چگونگی گذراندن اوقات فراغت در رفتارهای نابهنجارانه زنان زندانی تبریز نقش نداشته است.

بحث و نتیجه گیری

در تحقیق حاضر به بررسی نقش عوامل فرهنگی در نابهنجاری رفتاری زنان زندانی شهر تبریز پرداخته شد. نتیجه تحقیق بیانگر وجود رابطه بین سطح تحصیلات زنان زندانی و عادی می‌باشد. در واقع پایین بودن سطح تحصیلات در بین زنان زندانی یکی از عوامل تأثیرگذار در رفتارهای نابهنجار آنها می‌باشد. این یافته همسو با نظریه کنترل می‌باشد. نظریه پردازان کنترل این نوع رفتار (ناهنجاری) را بر اساس میزان تعلقات و تقیدات جوانان نسبت به نهادها و سازمان های اجتماعی مانند خانواده، مدرسه و گروه های همسالان تبیین می‌نمایند. آنان بر این باورند که تعلق خاطر و تقید نسبت به نهادها و سازمانها می‌تواند جوانان را در گروه های رسمی ادغام نموده و موجب کنترل فردی و اجتماعی گردیده و رفتار افراد را منظم نماید. نتایج تحقیقی در تهران (1347؛ نقل از محسنی، 1386: 181) نشان داد که غالب روسپیان شهر تهران منشأ شهری داشته اند سطح سواد در آنها بسیار پایین بوده است. نتیجه دیگر این تحقیق نشان داد بین میزان ساعات استفاده از وسایل ارتباط جمعی زنان زندانی و عادی تفاوت معناداری وجود دارد این یافته همسو با نظریه یادگیری و تقلید است بر اساس نظریه یادگیری رفتار انحرافی آموختنی است و در فرایند رابطه با افراد دیگر به خصوص در گروه های کوچک آموخته می‌شود. تارد در نظریه تقلید خود معتقد است که فرایند کسب رفتار بزهکارانه و مجرمانه از طریق تقلید که مبتنی بر تجربه های یادگیری مشاهده ای است انجام می‌شود پس می‌توان گفت در واقع پایین بودن میزان ساعات استفاده از وسایل ارتباط جمعی زنان زندانی تبریز در رفتارهای نابهنجار نقشی داشته است. نتایج تحقیق محمد رضایی نشان داد که تلویزیون ارتباط تنگاتنگی با نظام های آموزشی و خانواده داشته و این رسانه تلاش می‌نماید تا جایگاه مهمی در هدایت و کنترل افراد جامعه به ویژه نوجوانان و جوانان داشته باشد و لذا این رسانه می‌تواند

موجبات سعادت یا گمراهی نسل آینده را فراهم آورند. نتیجه دیگر تحقیق بیانگر وجود تفاوت بین نوع برنامه های مورد مشاهده در رسانه های زنان زندانی و عادی می باشد. در واقع پایین بودن میزان مشاهده برنامه ها در رسانه ها در بین زنان زندانی یکی از عوامل تأثیرگذار در رفتارهای نابهنجار آنها می باشد. طبق نظریه یادگیری اجتماعی رفتار انحرافی آموختنی است و در فرایند رابطه با افراد دیگر، به خصوص در گروه های کوچک آموخته می شود. تارد بر این باور است که مردم مجرم به دنیا نمی آیند بلکه مجرم می شوند. فرایند کسب رفتار بزهکارانه و مجرمانه از طریق تقلید مبتنی بر تجربه های یادگیری مشاهده ای است انجام می شود. نتایج تحقیق شکر بیگی نشان داد که وسایل ارتباط جمعی قادرند با کارکردهای منفی و تخطی از اخلاق رسانه ای سلامت فکری و اخلاقی آحاد جامعه را تهدید کنند. و الگوهای نابهنجاری رفتاری را در جامعه تثبیت نمایند. از سوی دیگر می توانند با توجه به کارایی و توان رسانه ها نرخ وقوع انحرافات اجتماعی را کاهش دهند. نتیجه دیگر این تحقیق نشان داد بین چگونگی گذراندن اوقات فراغت زنان زندانی و عادی تفاوت معنی داری وجود ندارد. این یافته همسو با نظریه مرتون و نظریه همنشینی افتراقی نمی باشد. در واقع چگونگی گذراندن اوقات فراغت زنان زندانی تبریز در رفتارهای نابهنجار نقشی نداشته است. به نظر می رسد چون اکثر افراد مورد مطالعه متعلق به مناطق پایین شهر بوده و سطح تحصیلات متوسط دارند و بیشتر مردم این مناطق مهاجر نیز می باشند؛ اشتغال به تحصیل و کار خانگی و بعضاً مشاغل خانگی زمان کمتری برای گذران اوقات فراغت باقی می گذارد. نتایج تحقیق شهیدی زندی نشان داد که میزان اطلاع خانواده از نحوه گذران فراغت، و ارزشها و نگرش های فرد بیشترین تأثیر را بر نحوه گذران فراغت نشان داده اند. این نتایج احتمالاً ناشی از آن است که امروزه در اجتماعی شدن افراد از تأثیر خانواده کاسته شده و سایر نهادهای اجتماعی از جمله رسانه های جمعی تأثیر بیشتری بر نگرش و رفتار فرد بر جای می گذارند در نتیجه در نحوه آسیب زدن اوقات فراغت دختران جوان، رسانه ها، فرهنگ و سبک زندگی غربی که دایماً از طریق مدها و کالاهای فرهنگی غربی تبلیغ می شود تأثیر تعیین کننده ای بر جای می گذارد. نتیجه دیگر این تحقیق نشان داد.

پیشنهادها

- برنامه ریزی جهت آموزش صحیح بوسیله رسانه های گروهی از جمله صدا و سیما، ترغیب و تشویق افراد به تحصیل .
- آموزش مهارت های زندگی به دختران از طریق رسانه های گروهی، آموزش و پرورش هم می تواند با ایجاد واحدهای درسی در مدارس و دانشگاه به این مهم کمک نماید. آموزش اصول و شیوه های تربیتی به والدین بخصوص درباره دوران بلوغ.
- نیاز به سیاست گذاری و مدیریت صحیح بر شبکه های تلویزیونی و برنامه ریزی در پخش انواع فیلم ها و برنامه های رسانه ای و استفاده از کارشناسان و استادان و بررسی دیدگاه های مختلف آنها در مورد تأثیرات انواع برنامه های رسانه ای و فیلم ها در جامعه، رعایت فرهنگ خاص جامعه ایران و تولید و پخش فیلم های متناسب، در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی و مسائل و مشکلات اکثریت افراد جامعه و ساخت و تولید فیلم ها و برنامه هایی که محتوای آنها فاصله زیادی با وضعیت مردم نداشته باشد، جداسازی محتوایی در برنامه های خاص برای گروه های سنی مختلف.
- پر کردن اوقات فراغت به نحوی که از نظر روانی و اجتماعی ثمر بخش باشد به تنهایی از عهده والدین بر نمی آید و بایستی سازمان ها و نهادهای مختلف جامعه با ایجاد امکاناتی چون (1) تشکیلات اردوها، (2) کانون های هنری، (3) سازمان های ورزشی، (4) کاروانهای سیاحتی . و نظایر آن به یاری والدین شتافته و آنان را در برنامه ریزی ایام فراغت یاری کنند. به علاوه این قبیل برنامه ها باید به صورتی تنظیم گردند که در جهت تقویت و تلطیف تمامی ارزشهای اطلاعاتی و عقیدتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، هنری زندگی انسان تاثیر کرده و در ارتباط با هر یک از این ابعاد به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تحقق هدف ها و مقاصد عمومی تربیت را متضمن باشند. و سرانجام برنامه های ساعات فراغت باید به نحوی تدبیر و اندیشیده شوند و در چنان مسیری قرار گیرند که از هر گونه انحراف و بد آموزی جلوگیری کرده و در جهت نیل به هدف های تربیتی و تکاملی انسانی به کار گرفته شوند.

منابع:

- احمدی، ح (1384)، جامعه شناسی انحرافات، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- بیرو، آ، ترجمه: ساروخانی، ب، (1370)، فرهنگ علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان.
- تقوی، ن. ا (1383)، مبانی جمعیت شناسی، تبریز: انتشارات دانیال، چاپ هفتم.
- رسولزاده، م (1383)، زمینه ناهنجاری رفتاری-اجتماعی میان دانش آموزان دختر در دوره راهنمایی و متوسطه شهر میانه، طرح تحقیقاتی سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی.
- زمانی، ف (1386)، زمینه‌های بزهکاری زنان، نقل از سایت: www.socialworker.mihanblog.com.
- ساروخانی، ب (1370)، در آمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان.
- سلیمی، ع. و م. داوری (1386)، مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی (جامعه شناسی کجروی)، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم.
- شریفی اشکوری، م (1384)، بزهکاری جوانان، قم: انتشارات فخر دین، چاپ اول، ص 9.
- شفیعی، م (1383)، بررسی راه کارهای عملی کاهش ناهنجاری های دانش آموزان مقطع راهنمایی، طرح تحقیقاتی سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی ناحیه دو.
- شکرپیگی، ع (1388)، رسانه‌ها و انحرافات اجتماعی، نقل از سایت: www.shekarbagy.com.
- شهیدی زندی، م (1388)، دختران جوان و آسیب‌های فراغتی، نقل از سایت: www.anthropology.ir.
- کرباسی، م. و وکیلیان، م (1386)، مسائل نوجوانان و جوانان، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ هشتم.
- محسنی، م (1386)، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: انتشارات طهوری، چاپ اول، صص: 181 و 427.
- محمدی، ز (1383)، بررسی آسیب های اجتماعی زنان در دهه (1380-1370)، تهران: انتشارات شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، چاپ اول.
- معیدفر، س (1379)، جامعه شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران، تهران: انتشارات سرزمین ما، ص: 217.
- معتمد نژاد، ک (1371)، وسائل ارتباط جمعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ دوم، صص 11-18.
- نانوای، ن (1386)، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر ناهنجاری های رفتاری دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان میاندوآب، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- نعمت الهی، ز، موسوی پور، ف. و توفیقی، ح (1387)، بررسی شیوع و خصوصیات موارد جرائم جنسی در مراجعین زن ارجاع شده به سازمان پزشکی قانونی کشور، نقل از سایت: www.sid.ir
- وحید، ر (1382)، علل بزهکاری نوجوانان، تهران: انتشارات عابد، چاپ اول، صص: 6 و 7.

- محمد رضایی، ا. ع (1387)، بررسی میزان و نقش تلویزیون ایران و کشورهای بیگانه در
پرکردن اوقات فراغت دانش آموزان، نقل از سایت: www.zibaweb.com

- www.aftab.ir
- www.qudsdaily.com
- www.tebyan.net
- www.zibaweb.com

